



نفت و سازمان تجارت جهانی

به نقل از بولتن تحولات بازار نفت شماره ۲۷، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

کشورهای دیگر با سهولت بیشتری از خود دفاع کنند. به هر حال منافع خاصی که هر کشور تازه وارد ممکن است به دست آورد، به مذاکراتی که قبل از ورود انجام می‌دهد بستگی زیادی دارد و البته این مذاکرات همواره اعضای جدید را وارد می‌سازد تا تعهداتی را برای اصلاحات تجاری و اقتصادی خود بپذیرند.

اهمیت روزافزون و تأثیری که سازمان تجارت جهانی بر امور بین‌المللی برجا می‌گذارد، باعث می‌شود تا کشورهای صادرکننده نفت نیز به منافع و مضار این سازمان توجه بیشتری مبذول نمایند. هدف این مقاله نیز بررسی این مهم بوده و سعی دارد تا نقایص، مزیت‌ها و تأثیری را که سازمان تجارت جهانی بر بخش نفت دارد، مطالعه کند. بر این اساس، مطالعه انجام شده شامل بخشهای نفت خام، فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی می‌شود.

روش و موضوعاتی که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت، عبارت است از:

- توضیح در مورد اینکه چرا موضوع نفت خام در توافقات قبلی «گات» درج نشده بود.
- بحث در مورد اینکه نفت خام و فرآورده‌های حاصل از نفت تا چه میزان در توافقات سازمان تجارت جهانی مطرح می‌شوند و تأثیر احتمالی کاهش مستمر سطح تعرفه‌ها چه خواهد بود؟

- تا چه میزان تحمیل برخی از کنترل‌های مربوط به تولید و یا عرضه، مانند سهمیه‌بندی

مقررات زدایی به ویژه بر کشورهای در حال توسعه به وجود آورده است. با این همه، اهمیت و تأثیر سازمان تجارت جهانی در امور بین‌المللی در حال رشد می‌باشد، حتی در مورد کشورهای غیر عضو هم این اهمیت و تأثیر مشاهده می‌شود. از طرف دیگر، فشارها برای پیوستن کشورهای غیر عضو به سازمان تجارت جهانی روز به روز بیشتر می‌گردد، به همین دلیل بسیاری از کشورهای صادرکننده عمده نفت عضو سازمان تجارت جهانی شده و تعداد دیگری نیز درخواست عضویت خود را مطرح کرده‌اند که این کشورها شامل عربستان، الجزایر، آذربایجان، قزاقستان، عمان و روسیه می‌شوند.

سازمان تجارت جهانی برخلاف موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، به استثنای تعدادی از موافقت‌نامه‌های چند جانبه که از این قاعده مستثنی می‌باشند، مجموعه‌ای از حقوق و مسئولیتها را ایجاد می‌کند که اعضا باید آن را به عنوان یک مجموعه یکپارچه بپذیرند. علاوه بر آن، فرایند عضویت در سازمان تجارت جهانی برخلاف موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت بسیار پیچیده و وقت‌گیر شده است.

به هر حال، عضویت در سازمان تجارت جهانی امتیازاتی هم دارد که از جمله آن‌ها فضای قابل پیش‌بینی و مطمئن تجاری و دسترسی به بازار حداقل ۱۳۴ کشور است. این سازمان، چارچوبی حقوقی ایجاد می‌کند که براساس آن کشورها می‌توانند در مقابل اقدامات یکجانبه

سازمان تجارت جهانی از زمان پیدایش خود در سال ۱۹۹۵ به عنوان یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین سازمانهای بین‌المللی جهان مطرح بوده که با افزایش تعداد اعضای این سازمان و همچنین گسترش دامنه و پیچیدگی موضوعاتی را که دربرمی‌گیرد، احتمال تأثیر آن بر بخش انرژی و نفت افزایش یافته است. قبلاً موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) عمدتاً بر موضوع تعرفه‌ها متمرکز شده بود، اما سازمان تجارت جهانی (WTO) نه تنها تعرفه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه بر مسائل دیگری نظیر تولید، سرمایه‌گذاری، اوضاع زیست‌محیطی، مالیات و قیمت‌های انرژی نیز تأثیر می‌گذارد. با گذشت زمان این نکته بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد که سازمان تجارت جهانی به مکانی تبدیل خواهد شد که محل بحث موضوعات بسیار مهمی خواهد بود که بخش انرژی را هم می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد، موضوعاتی مانند تبدیل مالیاتها، یارانه‌های اختصاص یافته بر مصرف داخلی انرژی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و احتمالاً سیاست‌های تغییرات مربوط آب و هوا نیز در این زمره خواهند بود.

شکی نیست که نظام گات و تجارت جهانی، تسهیلات افزایش تجارت در سطح جهانی را فراهم آورده و موجب افزایش رشد اقتصادی و درآمدهای سرانه شده است، اما در عین حال نگرانیهایی را نیز در مورد تأثیر منفی آزادسازی و

اوپک می‌تواند با تمهیدات سازمان تجارت جهانی سازگار باشد؟

● آیا چارچوب سازمان تجارت جهانی می‌تواند اعمال مالیاتهای غیرمستقیم را توسط تولیدکنندگان نفت مورد سؤال قرار دهد؟

● با افزایش نگرانی‌ها در مورد آسیبهای زیست‌محیطی و بحث در مورد تأثیر تجارت بین‌الملل بر محیط زیست در صورت جلسه‌های بین‌المللی، به ویژه با در نظر گرفتن کنوانسیون تغییرات محیط زیست و پروتکل کیوتو، آیا دستورالعملهایی در چارچوب سازمان تجارت جهانی وجود دارد که رابطه بین انرژی، محیط زیست و تجارت را تحت تأثیر قرار دهد؟

● تا چه اندازه موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی در مورد یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، انرژی ارزان و مواد اولیه (انرژی)، صنایع داخلی را در کشورهای صادرکننده نفت تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ در تحلیل این موضوع، صنایع پتروشیمی در عربستان سعودی به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است.

تاریخچه نفت خام در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و سازمانهای تجارت جهانی

هنوز راجع به اینکه نفت تا چه اندازه توسط موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و سازمانهای تجارت جهانی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، اطمینانی وجود ندارد. بنا بر یک سلسله دلایل که در ادامه خواهد آمد، در خلال سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴ نفت خام هرگز در موافقت‌نامه‌های تجاری گات مطرح نبوده است. با توجه به موافقت‌نامه‌های فعلی سازمان تجارت جهانی، سازمانهایی مانند اوپک و آوپک معتقدند که نفت خام از این موافقت‌نامه‌ها استثنا شده‌اند، در حالی که سازمان تجارت جهانی و کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) معتقدند، اگرچه نفت خام به طور خاص در قوانین و مقررات قید نشده، اما از آن نیز استثنا نشده است.

توجهات محتملی وجود دارد که حتی قبل از ایجاد سازمان تجارت جهانی، نفت خام از فرایند گات حذف شده بود:

۱- اینکه گفته می‌شود امضاکنندگان اولیه گات با یکدیگر به صورت شفاهی توافق کردند تا موضوعات نفتی را مورد بحث قرار ندهند. البته افزایش قیمت‌ها و تحریم‌های نفتی دهه ۷۰ میلادی، بحث‌هایی را در مورد کنترل صادرات و

نظام قیمت‌گذاری مطرح ساخته بود.

۲- اینکه گات عمدتاً برای کاهش دادن تعرفه‌ها و سایر محدودیتهای تجاری تدوین شده بود، در حالی که تعرفه‌های ناچیزی بر واردات نفت خام وجود داشت.

۳- این که نفت یک کالای بسیار استراتژیک بوده که هم شرکتهای بین‌المللی و هم دولت‌ها در مجموع قصد داشتند تا هرگونه تأثیری را که یک سازمان بین‌المللی ممکن است بر نفت خام داشته باشد، به حداقل برسانند.

۴- اینکه موضوعات اولیه گات از لحاظ بخش‌هایی که شامل می‌شد و همچنین از لحاظ تعداد اعضا بسیار محدود بود و بر این اساس بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت و در حال توسعه را دربر نمی‌گرفت. بنابراین اگرچه نفت استثنا بود، اما تنها موردی نبود که استثنا شده بود.

۵- اینکه علی‌رغم اهمیت استراتژیک نفت، حجم کوچکی از تجارت جهانی را تا دهه هفتاد میلادی نفت تشکیل می‌داد و تولید و صادرات نفت خام به صورت متمرکز انجام می‌شد.

۶- اینکه بعد از تحریم‌ها و افزایش قیمت‌ها در دهه هفتاد میلادی و افزایش نفوذ اوپک، اغلب کشورهای صادرکننده نفت از اینکه نفت خام در گات مطرح نشده بود، خوشنود بودند.

تعرفه‌ها و نفت

یکی از اهداف کلیدی گات و سازمان تجارت جهانی، تحت الزام قانونی در آوردن تعرفه‌ها می‌باشد که به موجب آن کشورهای عضو توافق کرده‌اند تا تعرفه‌ها را بیش از حد مشخص افزایش ندهند و در بسیاری از موارد این مقدار صفر و یا نزدیک به صفر می‌باشد، به همین جهت چندین کشور واردکننده، از جمله آمریکا و ژاپن، تصمیم گرفته‌اند تا تعرفه‌های خود را در مورد نفت خام محدود نکنند. اگرچه تعرفه‌ها تأثیر کمی بر تجارت نفت خام دارند، اما این احتمال وجود دارد که برخی از کشورهای واردکننده نفت به دلایل مختلف، تعرفه‌های خود را بر واردات نفت از تمامی (یا از بعضی) مناطق افزایش دهند و یا محدودیتهایی را در این مورد اعمال نمایند. بنابراین، کشورهای صادرکننده نفت می‌توانند این تقاضا را مطرح نمایند که تعرفه‌های مربوط به نفت خام نیز مشمول الزامات قانونی شود. همین بحث در مورد برخی از فرآورده‌های نفتی که هنوز تحت این الزامات

درنیامده‌اند نیز می‌تواند مطرح شود. حقوق و عوارض گمرکی براساس مقررات سازمان تجارت جهانی کاملاً قانونی می‌باشد، اما در این مورد یک یا دو استثنا نیز وجود دارد که در معرض الزامات تعرفه‌ای قرار ندارند. به هر حال طی مذاکرات اخیر شده، این روند رو به رشد شکل گرفته است که تعرفه‌های صادراتی در مورد فرآورده‌های مشخص نیز تحت الزامات قانونی درآیند.

برعکس مالیاتهای اندک و یا ناچیز اعمال شده بر واردات نفت خام، تنوع بسیار بیشتری در مورد اعمال عوارض گمرکی و موانع غیر تعرفه‌ای بر فرآورده‌های نفتی و پتروشیمیایی وجود دارد که بسیاری از آنها در داخل نظام سازمان تجارت جهانی جای می‌گیرند. به دنبال مذاکرات اروگوئه، فقط اتحادیه اروپا سطح تعرفه‌های خود را در مورد فرآورده‌های نفتی به میزان تقریبی یک سوم کاهش داده است در حالی که آمریکا و ژاپن تعرفه‌های خود را در همان سطح قبل از مذاکرات اروگوئه حفظ کرده‌اند. البته تعداد اندکی از کشورهای صادرکننده نفت در مذاکرات اروگوئه شرکت کرده بودند، ولی به هر حال این کشورها در دوره‌های آتی مشارکت بیشتری خواهند داشت. این مشارکت به آن‌ها فرصت خواهد داد تا در مورد کاهش عوارض گمرکی و همچنین کاهش موانع غیرتعرفه‌ای در مورد صادرات فرآورده‌های نفتی و پتروشیمیایی خود به بازارهای عمده، به مذاکره بپردازند.

سازمان تجارت جهانی، اوپک و محدودیتهای

کنترل صادرات و تولید در اصل می‌تواند به عنوان موانع غیرتعرفه‌ای در نظر گرفته شود که براساس مقررات سازمان تجارت جهانی، این موانع قابل قبول نمی‌باشند. اگرچه ماده یازدهم گات محدودیتهای کمی را در اصل ممنوع می‌داند، اما در این خصوص تعدادی استثنا وجود دارد که این محدودیت‌ها مجاز شمرده شده‌اند.

این موضوع شامل اجرای موافقت‌نامه بین‌المللی کالا نیز می‌شود، تا از طریق محدودیت صادرات محصولات اولیه و یا میانی، به فرایندسازی داخلی کمک کند. همچنین محدودیت صادرات به دلیل ملاحظات امنیت ملی و کمک به صرفه‌جویی در منابع پایان‌پذیر ملی نیز در این زمره قرار دارند. تحت

مقررات قبلی (گات)، کنترل صادرات و اعطای یارانه به تولید و صادرات به عنوان ابزار معتبری برای توسعه شناخته شده بود، اما در سازمان تجارت جهانی حرکت کاملاً مشخصی علیه این ابزارها وجود دارد.

با وجود آن که همواره اوپک یک سازمان بین‌الدولی محسوب می‌گردید، اما از سال

۱۹۶۰ به بعد هرگز در سازمان ملل، آن گونه که در مورد سایر کالاها اولیه عمل شده بود، توافقی در مورد نفت تصویب نشده و یا سازمانی که در مورد عرضه نفت فعالیت داشته باشد، تأسیس نشده است. از لحاظ نظری، کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده نفت می‌توانستند یک موافقت‌نامه بین‌المللی کالا امضا کنند که هدف آن کمک به تولیدکنندگان نفت در صرفه‌جویی، تثبیت و یا افزایش درآمدهای نفتی آنان باشد. اگر اوپک و یا هر سازمان مشابهی می‌توانست به عنوان یک سازمان بین‌الدولی کالا شناخته شود، در آن صورت برخی از انواع کنترل صادرات و تولید ممکن بود مجاز شمرده شوند. به هر حال، بنا بر دلایل مختلفی که شامل شرایط فعلی اقتصاد جهانی و تنفر از موافقت‌نامه‌های محدودیت کالا می‌شود، بسیار غیرمحتمل است که در بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده نفت حمایت کافی برای ایجاد چنین موافقت‌نامه‌ای وجود داشته باشد. در عین حال که وجود سازمانی برای نظارت کردن بر تحولات بازار می‌تواند قابل قبول باشد، اما هر تلاشی که با هدف تأثیرگذاری قیمت‌ها و بازار انجام شود با مخالفت‌های زیادی روبرو خواهد شد.

با این وجود، در زمان ورود اعضای جدید موضوع مزبور می‌تواند مورد بحث قرار بگیرد. هنوز این موضوع قابل بحث است که آیا دخالت‌های اوپک در بازار براساس ماده ۲۰ که صرفه‌جویی در منابع ملی را مجاز می‌داند، قابل قبول می‌باشد؟ البته برخی از اعضای اوپک که عمر نسبت ذخایر به تولید آن‌ها به ۱۰۰ سال می‌رسد، ممکن است نتوانند ثابت کنند که کاهش تولید آن‌ها با هدف صرفه‌جویی صورت می‌گیرد. با وجود این، در شرایط عضویت مکزیک در سازمان تجارت جهانی تصریح شده است که این کشور برای صرفه‌جویی در منابع انرژی خود، کنترل‌های صادراتی را اعمال نماید.

از سال ۱۹۶۰ به بعد هرگز در سازمان ملل،

آن گونه که در مورد سایر کالاها اولیه عمل شده بود، توافقی در مورد نفت تصویب نشده و یا سازمانی که در مورد عرضه نفت فعالیت داشته باشد، تأسیس نشده است

به نظر نمی‌رسد تاکنون موضوع عضویت در اوپک مشروط به عضویت هر یک از اعضای این سازمان در گات یا سازمان تجارت جهانی شده باشد. در واقع، بحث عضویت اوپک در سازمان تجارت جهانی می‌توانست به این دلیل مطرح شود که نفت از مذاکرات گات و سازمان تجارت جهانی حذف شده بود، یا قیمت آن طی دهه گذشته نسبتاً در سطح پایینی قرار داشت و یا همچون ماههای قبل، اوپک از تأثیرگذاری عمده بر قیمت‌های نفت عاجز بود. با این وجود، هیچ دلیلی وجود ندارد که چرا عضوی از سازمان تجارت جهانی نتواند موضوع عضویت اوپک را در سازمان مزبور مورد سؤال قرار دهد، به ویژه اگر توجه شود که اوپک موجب افزایش چشم‌گیر قیمت‌ها شده است.

در عین حال که توافقات سازمانهای تجارت جهانی کنترل‌های کمی را ممنوع می‌داند، اما این سازمان تعدادی از حفاظت‌های دولتی، مانند اعمال حقوق گمرکی ضد دامپینگ و حقوق گمرکی متقابل را که اعمال آن‌ها بسیار ساده و غیرمستقیم می‌باشد، مجاز شمرده است. در این صورت، ممکن است اتحادیه اروپا و آمریکا هم از آن استفاده می‌کنند. این کشورها همچنین موضوع پرداخت یارانه در مورد منابع انرژی و قیمت‌گذاری دوگانه فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمیایی را نیز مطرح کرده‌اند.

یارانه‌ها و سازمان تجارت جهانی

بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت از طریق تولید فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی به ارزش نفت‌خام تولیدی خود می‌افزایند. این فرآورده‌ها با فرآورده‌های مشابه که در کشورهای صنعتی تولید می‌شوند، رقابت می‌نمایند، زیرا غالباً هزینه تولید در این کشورها در سطح بالایی قرار دارد. به همین علت صنایع کشورهای صنعتی در مورد رقابت با

تولیدکنندگان دارای هزینه پایین که از خوراک ارزانتر استفاده می‌کنند دائماً در نگرانی به سر می‌برند.

آن‌ها معمولاً به این خوراک ارزان، لفظ خوراک یارانه‌ای اطلاق می‌کنند که این تعریف از سوی سازمان تجارت جهانی برای اعطای یارانه و همچنین عوارض جبرانی به کار رفته است. این طبقه‌بندی، یارانه‌ها را به سه گروه تقسیم می‌کند که عبارتند از:

۱. یارانه ممنوع که تمام یارانه‌های صادراتی را دربرمی‌گیرد،
۲. یارانه‌های قابل پیگرد قانونی که ممکن است از سوی سازمان تجارت جهانی مورد مناقشه قرار بگیرد،
۳. یارانه‌های غیر قابل پیگرد که مجاز می‌باشند.

یارانه‌های خاصی که در مورد یک بخش خاص اعمال می‌شود، قابل پیگرد می‌باشند، اما یارانه‌هایی که در کل اقتصاد اعمال می‌شوند، یارانه خاص نبوده و بنا بر این مجاز می‌باشند. این بحث نیز مطرح گردیده است که اگر انرژی ارزان یا سایر خوراکی‌های ارزان در کل اقتصاد داخلی در دسترس بوده و قیمت آن نیز کمتر از قیمت‌های جهان باشد، نمی‌توان آن را یارانه قابل پیگرد قانونی دانست. منطقه خلیج فارس به خوراک‌های با هزینه کم اتان و متان دسترسی دارند که از گاز طبیعی به دست می‌آیند و برای تولید اتیلن مورد استفاده قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، هزینه فرصت گاز تولید شده در خلیج فارس بسیار پایین است، زیرا بازار آن بسیار محدود می‌باشد. بنابراین، هزینه این خوراکی‌ها برای صنایع داخلی پتروشیمی به صورت کاملاً رقابتی در سطح پایین قرار دارد که این منطقه را در بازارهای صادراتی دارای وضعیت کاملاً رقابتی می‌سازد. در اواخر سال ۱۹۹۴، اتحادیه اروپا به صورت پیش‌بینی شده‌ای، تعرفه‌های سنگین را بر واردات پتروشیمی از عربستان سعودی (و همچنین لیبی و روسیه که هیچ کدام عضو سازمان تجارت جهانی نبودند) اعمال کرد. قبل از آن، معاملات به صورت معاف از حقوق گمرکی و براساس نظام تعمیمی رجحانهای مجاز بود. تصمیم اتحادیه اروپا برای اعمال حقوق گمرکی بر واردات پتروشیمی از عربستان بر دو

عامل استوار بود: اول اینکه اتحادیه اروپا تصمیم بر تجدیدنظر در مورد نظام تمیمی ربحانهای عربستان داشت که ناشی از نتایج حاصل از مذاکرات دور اروگوئه بود، زیرا اتحادیه اروپا این بحث را مطرح می‌کرد که سطح توسعه عربستان دیگر ادامه نظام تمیمی ربحانها را برای آن کشور توجیه نمی‌کند.

دومین عامل که تشویق‌کننده اتحادیه اروپا برای این تصمیم بود، این بود که دولت عربستان تصمیم گرفته بود تا برای آن دسته از صنایع داخلی که گاز مایع مصرف می‌کردند، ۳۰ درصد تخفیف در قیمت تحویلی قائل شود. در واقع این بحث مطرح شده بود که اگر شرکت آرامکو که تولیدکننده گاز عربستان و شرکت سایبک که شرکت پتروشیمی این کشور است، یک شرکت مستقل همانند شرکت اگزان محسوب می‌شوند، بنا بر این قیمت انتقالی خوراک پتروشیمی در بین آنها شفاف نمی‌باشد. هنوز هم بحث‌هایی وجود دارد که آیا عربستان در مورد خوراک پتروشیمی‌های عمده همچنان یارانه پرداخت می‌کند یا خیر. فرصت‌های محدود بازاریابی منطقه‌ای خوراک پتروشیمی در کنار محصولات متنوعی (با قیمت‌های مختلف) که در عملیات پالایش به دست می‌آید، کسب قیمت مبتنی بر محصول را برای خوراک مزبور بسیار دشوار می‌سازد.

نظرات مختلفی در مورد این سؤال وجود دارد که آیا قیمت‌گذاری خوراک پتروشیمی عربستان واقعاً مشکل‌افزین است یا خیر. برخی از منابع گفته‌اند که به نظر نمی‌رسد این موضوع برای آمریکا یا شرکتهای آمریکایی مشکل‌زا باشد، اما ممکن است برای شرکتهای اروپایی مشکل‌افزین باشد. ممکن است یکی از منافع عمده عربستان برای پیوستن به سازمانهای تجارت جهانی، موضوع کاهش تعرفه‌های مربوط به صادرات پتروشیمی این کشور به اتحادیه اروپا و آمریکا باشد. به هر حال، برخی از تحلیل‌گران این موضوع را مطرح کرده‌اند که اتحادیه اروپا سطح تعرفه‌های خود را بر محصولات عربستان کاهش نخواهد داد، زیرا به هر حال عربستان چه به سازمان تجارت جهانی بپیوندد یا خیر، در معرض چنین تعرفه‌ای قرار خواهد داشت.

موضوعات زیست‌محیطی و نفت

مسئله تأثیر محیط زیست بر تجارت بین‌الملل به سرعت جای خود را در سطوح بین‌الملل باز کرده است، از این رو بخش انرژی

نیز از این پدیده مصون نخواهد ماند. یکی از ملاحظات مهم زیست‌محیطی، مسئله تهدید رو به رشد گرم شدن جهان می‌باشد که مستقیماً به استفاده از سوخت‌های فسیلی، مخصوصاً بهره‌برداری از نفت و زغال سنگ مرتبط می‌باشد. طرفداران محیط زیست که فکر می‌کنند سازمان تجارت جهانی باشگاه ثروتمندان است، دوست دارند تا این سازمان توجه گسترده‌ای به همه مسائل داشته باشد و با موضوع تأثیرات زیست محیطی تجارت برخورد کرده و قوانین زیست محیطی را به اجرا بگذارد. به هر حال اغلب دولتها و بازرگانان معتقدند که سازمان تجارت جهانی باید نگرش محدودتری داشته باشد و فقط به تأثیرات تجاری سیاست‌ها و مقررات زیست‌محیطی توجه نماید. در عین حال که سازمان تجارت جهانی اهمیت موضوع را دریافته است، اما این سازمان با وضعیت فعلی خود، غیرممکن است که بتواند نقش یک سازمان محیط زیست جهانی را ایفا نماید و استراتژی‌ها و سیاستهای زیست محیطی را اجرا کرده و یا به زور به پیش برد.

تصمیمات مربوط به مناقضه‌های گات و سازمان تجارت جهانی نشان می‌دهد که سازمان تجارت جهانی درگیری محدودی با موضوعات زیست محیطی داشته و عوامل زیست محیطی نمی‌تواند به عنوان یک ابزار حمایتی مورد استفاده قرار بگیرد.

این تصمیمات شامل دو مورد بوده که عمیقاً به مسائل انرژی مرتبط می‌شود:

۱- مقررات تبعیض‌آمیز در مورد واردات بنزین با فرمول جدید توسط آمریکا از ونزوئلا و برزیل

۲- مسائل مربوط به کارایی سوخت اتوموبیل‌های گازسوز وارداتی، که گاز زیادی مصرف می‌کنند.

به هر حال رویارویی سازمان تجارت جهانی با مناقشات و مباحثات بیشتر در زمینه تجارت انرژی و محیط زیست، غیرقابل اجتناب می‌باشد.

یکی از موضوعات احتمالی که ممکن است مطرح شود، موضوع نشر گازهای گلخانه‌ای می‌باشد. در این مورد طیف گسترده‌ای از سیاستهای داخلی و بین‌المللی و همچنین استراتژی‌های گوناگونی در مورد سازوکار بازار پیشنهاد شده است تا بتواند انتشار این گازها را ابتدا مهار کرده و سپس آن را کاهش دهد. این سیاست‌ها از مبنای دستوراتی برای دستیابی به

اهداف معین گرفته تا روشهای مبتنی بر بازار را دربرمی‌گیرد: مانند مجوزهای قابل معامله در مورد نشر گازهای گلخانه‌ای و سازوکارهای توسعه غیرآلاینده.

در این خصوص سؤالی که مطرح می‌باشد، این است که آیا امکان دارد در اجرای این اقدامات با قوانین سازمان تجارت جهانی برخوردی پیش آید؟ پاسخ کاملاً مثبت است. برای مثال، تجارت نشر گازهای گلخانه‌ای به کشورهای محدود می‌شود که نسبت به کاهش نشر گازهای گلخانه‌ای متعهد شده‌اند. به هر حال اگر مجوزهای نشر گازهای گلخانه‌ای به صورت کالا در نظر گرفته شوند، بنابراین به تمام کشورها باید اجازه داده شود تا در صورت انتخاب بتوانند به این کار دست بزنند. از سوی دیگر، اگر به مجوزهای نشر گازهای گلخانه‌ای همانند ابزارهای مالی قابل انتقال نگاه شود، در این صورت تجارت آنها نیاز به اخذ تأییدیه گاتز (موافقت‌نامه عمومی تجارت در خدمات) خواهد بود. قوانین گاتز ايجاب می‌کند هر ارائه‌دهنده خدمات - حتی اگر پروتکل کیوتو را هم امضا نکرده باشد - می‌تواند به تجارت نشر گازهای گلخانه‌ای بپردازد. البته ممکن است سؤالاتی در مورد اینکه یک کشور چه تصمیمی برای تخصیص حقوق نشر گازهای گلخانه‌ای خود اتخاذ می‌کند، مطرح گردد. در این صورت ممکن است این موضوع به صورت یک یارانه در نظر گرفته شود و بنابراین در تقابل با موافقت‌نامه مربوط به یارانه‌ها و اقدامات جبرانی قرار می‌گیرد. بحثهای مربوط به پروتکل کیوتو هنوز هم مناقشات، بحث‌ها و هیجانات زیادی می‌آفریند. افراد زیادی به سختی تلاش می‌کنند که مفاد آن اجرا گردد و برخی دیگر آن را یک سیاست غیرواقعی و غیرپایدار در مورد تغییرات آب و هوا می‌دانند.

اما دو نکته شایان توجه است: نکته اول این است که حتی اگر تعداد زیادی از کشورها پروتکل را امضا نمایند، اجرای سیاست‌های گوناگون و پیشنهاد‌های مختلف مدت زمان زیادی به طول خواهد انجامید. نکته دوم این است که حتی اگر پروتکل اجرا نگردد، تعداد زیادی از کشورها، شرکت‌ها و افراد نسبت به تغییرات آب و هوا و تأثیرات آن بر گرم شدن جهان آگاهی بیشتری خواهند یافت.

در نتیجه افزایش توجهات درباره نشر گازهای گلخانه‌ای در حال حاضر، پیشنهاد‌های زیادی برای سیاستهای داخلی کشورها مطرح

شده است که هدف آن کاهش وابستگی به سوختهای فسیلی و کم کردن مصرف انرژی است. برای مثال، در کشورهای صنعتی حمایت زیادی از سوختهای تجدیدپذیر به عمل می‌آید و از سیاستهای مبتنی بر انتخاب نوع سوختها در تلاش برای کاهش نشر گازهای گلخانه‌ای کاملاً پشتیبانی می‌شود. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا کمک به توسعه سوختهای تجدیدپذیر و همچنین تشویق سیستم‌هایی که تغییر مصرف انواع سوختهای مختلف به جای یکدیگر در آنها امکانپذیر می‌باشد، نوعی پرداخت پاران به آنها به حساب نمی‌آید و آیا این امر منجر به چالش با سازمان تجارت جهانی نخواهد شد؟

بسیاری از پیشنهادهایی که در مورد سیاست داخلی کشورها صورت گرفته است، پیرامون مالیات بر کربن و یا انرژی است، زیرا مالیاتها و سایر کنترل‌هایی که در مورد نفت و سایر سوختها وضع می‌شوند، نه تنها ظاهراً برای کنترل نشر گازهای گلخانه‌ای است، بلکه برای افزایش درآمدهای دولت‌ها نیز می‌باشد. در برخی از کشورها، مخالفتهای قابل توجهی با این سیاستها صورت گرفته است که این مخالفتها تا حدودی برای از بین بردن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای می‌باشد که بر سر راه جریان آزاد سرمایه و کالا قرار می‌گیرند و به این معنی است که تفاوت‌های معاملاتی بین کشورها در حفظ رقابتهای بین‌المللی اهمیت بیشتری یافته است.

پیشنهاد شده است تا تولیدکنندگان عمده نفت برای مطرح کردن مخالفتشان با مالیاتهای بسالای انرژی در کشورهای مصرف‌کننده، از چارچوب سازمان تجارت جهانی استفاده کنند. به هر حال براساس قوانین فعلی سازمان تجارت جهانی، یک کشور مادامی که بتواند ثابت کند مالیاتی را که وضع کرده است، بین کالای تولید شده در داخل و کالای وارد شده از خارج تبعیضی ایجاد نخواهد کرد، می‌تواند هر نوع مالیاتی را وضع نماید. در عین حال این قانون در مورد محصولات یکسان، مانند نفت خامی که از دریای شمال می‌آید و نفت خامی که از خاورمیانه وارد می‌شود، اعمال می‌گردد. در حال حاضر، موضوع محصولات مشابه مانند نفت کوره که رقیب زغال سنگ در تولید الکتریسیته می‌باشد، نیز مطرح شده است. قوانین سازمان تجارت جهانی دائماً مورد تفسیر قرار می‌گیرد و موضوع مورد بحث در خصوص ماده ۳، مربوط به اقدامات ملی می‌باشد. مالیات‌بندی فعلی که برخوردهای متفاوتی با زغال سنگ، گاز و نفت

دارد، احتمالاً تغییر نمی‌کند و تفاوت مطلق بین مالیاتهای اعمال شده در مورد محصولات مشابه نیز مجاز شمرده شده است. به هر حال این بحث مطرح است که براساس قضاوت در مورد مناقشات تجاری، هیچ گونه تغییری در مقررات نباید موجب افزایش قدرمطلق تفاوت مالیاتی شود. یعنی تولیدکنندگان نفت با هر مالیات‌بندی جدیدی که تفاوت بین نفت و سایر سوختها مانند زغال سنگ و یا گاز را افزایش دهد، تحت عنوان تبعیض می‌توانند به چالش برخیزند.

آینده

فناوریهای زیادی در مورد رشد اهمیت سازمان‌های تجارت جهانی و تأثیر آن بر مسائل بین‌المللی وجود دارد که این تأثیرگذاری حتی در مورد کشورهای غیر عضو سازمان تجارت جهانی هم مطرح می‌باشد. علاوه بر آن، اقدامات و تصمیمات سازمان تجارت جهانی احتمالاً تأثیر روزافزونی بر بخش نفت و انرژی خواهد داشت. این موضوع اهمیت زیادی دارد که کشورهای تولیدکننده نسبت به تهدیدها و فرصتهایی که سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های اروگوته در اختیار آنها می‌گذارد، درک بهتری داشته باشند و تأثیری را که توسعه آنها بر بخش نفت خواهد داشت، به خوبی بشناسند. از آنجا که احتمالاً تمامی کشورهای عمده صادرکننده نفت روزی عضو سازمان تجارت جهانی خواهند شد، این بحث اهمیت ویژه‌ای خواهد یافت.

این مقاله برخی از مطالب اساسی را مورد بحث قرار داده است، این موضوعات محتمل دیگری هم وجود دارد که در مورد ارتباط بخش نفت و سازمان تجارت جهانی می‌باشد. برخی از موضوعات مهمی که احتمالاً در آینده مطرح خواهند شد، شامل موارد ذیل خواهند بود:

- ۱- تا چه اندازه شرکت‌های نفتی دولتی از قوانین سازمان تجارت جهانی متأثر خواهند شد؟
- ۲- مالیات بر انرژی چگونه تأثیر خواهد پذیرفت؟
- ۳- تعرفه‌ها در مورد واردات پتروشیمی چه تغییراتی خواهد کرد؟
- ۴- قیمت‌گذاری داده انرژی به چه صورت درخواهد آمد؟
- ۵- سیاستهای مربوط به کاهش نشر گازهای گلخانه‌ای چگونه خواهد شد؟
- ۶- تأثیر عضویت در سازمان تجارت جهانی

بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ویژه در بخش بالادستی نفت چگونه خواهد بود؟
۷- هزینه‌ها و منافع که پیوستن به سازمان تجارت جهانی برای کشورهای تولیدکننده نفت، مانند الجزایر، آذربایجان، قزاقستان، عربستان به همراه خواهد داشت، چگونه ارزیابی می‌شود؟

مذاکرات تجاری «دور هزاره» می‌تواند برای تولیدکنندگان عمده نفت این مزیت را به همراه داشته باشد که به عنوان یک گروه بتوانند موضوعات عمده تجاری و اقتصادی را که قادر هستند بر بخش نفت تأثیر بگذارند، مطرح نمایند و با درک مشکلات بالقوه و امضای معاهدات مقررات سازنده کمک کنند تا مشکلی پیش نیاید و این اطمینان حاصل شود که بخش انرژی همچنان رشد خود را ادامه خواهد داد.

منبع

پیتر گرین هاتک، نفت و سازمان تجارت جهانی، OIES بریتانیا، ۱۹۹۹.

نظریه کارشناسی

آقای پیتر گرین‌هاتک در مقاله خود، از منظر نفت به بررسی اجزای سازمان تجارت جهانی و گات پرداخته است. آنچه که از مجموع مقاله برمی‌آید، این است که کشورهای عضو اوپک چنانچه قصد پیوستن به این سازمان را داشته باشند، از طریق انسجام بیشتر می‌توانند به صورت یک گروه این کار را به انجام برسانند و از این طریق منافع خود را حداکثر کنند. در این راستا، بدیهی است که دبیرخانه اوپک می‌تواند به صورت یک نهاد هماهنگ کننده عمل کند و حتی همکاری کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت غیر عضو اوپک را نیز جلب نماید. از سوی دیگر، با توجه به اینکه نفت اصلی‌ترین منبع درآمد ارز معتبر برای کشورمان محسوب می‌گردد و در آینده میان مدت نیز چنین خواهد بود، بنابراین پیوستن به سازمان‌های مختلف باید با در نظر گرفتن جایگاه نفت و امکان حداکثر کردن منافع کشورمان در نظر گرفته شود و در این خصوص صرفاً صادرات غیرنفتی مدنظر قرار نگیرد.